



The representation of identity in the language of the play of
Parvin, Sasan's daughter

Saeed Aboutalebi¹ | Hossein Razavian²

1. M.A. Graduated of Department of General Linguistics, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan, Iran. Email: saeed.ab.1992@gmail.com
2. Corresponding author; Associate Professor, Department of General Linguistics, Faculty of Humanities, Semnan University, Semnan, Iran. Email: razavian@semnan.ac.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article (41-60)	The following research examines the representation of identity in the Persian play <i>Parvin, Sasan's Daughter</i> , written by Sadegh Hedayat. The purpose of this research is to identify and investigate the role of language in representing identity in Persian historical plays and to provide a linguistic perspective on the issue of identity in the writing of Persian plays and scripts. The work under study was selected based on its depiction of a specific historical period, when the Iranian identity was threatened with extinction. This work was analyzed according to the framework of Stuart Hall's representation theory (1996, 2003). The results obtained from the analysis of the work showed that identity representation was mostly used in the intentional and constructive approaches, and the least in the reflective approach. It was also observed that among the levels of identity, individual identity had the highest frequency in both plays, followed by national identity and historical identity, respectively. The author also encountered a case that was not compatible with the identity of that historical period and categorized it as a fake identity. The author suggests that the inclusion of fake identity cases in the text is due to the author's lack of familiarity with the language, culture, and beliefs of the people of that historical period. Moreover, the findings of the research indicate that among the identity-forming parameters, sentence and word were the most influential ones, followed by clause and group, respectively.
Received: 2023-11-29	
In Revised Form: 2024-06-16	
Accepted: 2024-03-10	
Published online: 2024-06-20	
Keywords:	historical identity, representation of identity, Sadegh Hedayat, Stuart Hall.
Cite this article:	Aboutalebi, Saeed; Razavian, Hossein (2024). "The representation of identity in the language of the play of Parvin, Sasan's daughter". <i>Journal of Literary Criticism and Rhetoric</i> , Vol: 13, Issue: 1, Ser. N.: 33 (41-60).
DOI:	10.22059/JLCR.2024.367296.1965
Publisher:	The University of Tehran Press. © The Author(s)





پژوهش نامه نقد ادبی و بلاغت

شاپای الکترونیکی: ۷۶۲۷-۲۶۷۶

<https://jalit.ut.ac.ir>



بازنمایی هویت در زبان نمایشنامه پروین دختر ساسان^۱

سعید ابوطالبی^۱ | حسین رضویان^۲

۱. کارشناس ارشد گروه زبان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: saeed.ab.1992@gmail.com
۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: razavian@semnan.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۴۱-۶۰)	پژوهش پیش رو به بررسی بازنمایی هویت در متن نمایشنامه فارسی پروین دختر ساسان نوشته صادق هدایت می‌پردازد. هدف این پژوهش شناسایی و بررسی نقش زبان در بازنمایی هویت در نمایشنامه‌های تاریخی فارسی و در پی آن به دست دادن نگاهی زبان‌شناختی به مسئله هویت در نوشتار نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های فارسی است. اثر مورد مطالعه با توجه به نمایش یک دوره خاص تاریخی، که هویت ایرانی در هشدار از میان رفتن بوده، گزیده شده است. این اثر بر اساس چارچوب نظریه بازنمایی استوارت هال (۱۳۸۶، ۲۰۰۶) مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه‌های به‌دست‌آمده از بررسی اثر نشان می‌دهد که بازنمایی هویت با توجه به رویکرد ارادی و برساختی بیشترین میزان و رویکرد بازتابی کمترین میزان استفاده را داشته‌اند. همچنین مشاهده گردید که از میان سویه‌های هویتی، در این نمایشنامه بیشترین فراوانی مربوط به هویت فردی بود و پس از آن به ترتیب هویت ملی و هویت تاریخی، سویه‌های بهره برده شده، بوده‌اند. در این میان نگارنده با موردی برخورد داشت که با هویت آن دوره تاریخی همگون نبود و آن را در یک دسته با نام هویت جعلی دسته‌بندی کرده است. نگارنده احتمال می‌دهد که وارد شدن موردهای هویت جعلی در متن به دلیل ناآشنایی نویسنده اثر با زبان، فرهنگ و باورهای مردم آن دوره تاریخی است. همچنین یافته‌های پژوهش این‌گونه می‌نماید که از میان پارامترهای هویت‌ساز، به ترتیب بیشترین پارامتر جمله و پس از آن واژه، بند و گروه پارامترهای هویت‌ساز بوده‌اند.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۲۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱	
کلیدواژه‌ها:	استوارت هال، بازنمایی هویت، صادق هدایت، هویت تاریخی، نمایشنامه.
استناد	ابوطالبی، سعید؛ رضویان، حسین (۱۴۰۳). «بازنمایی هویت در زبان نمایشنامه پروین دختر ساسان». <i>پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت</i> ، دوره ۱۳، ش ۱، بهار ۱۴۰۳، پیاپی ۳۳ (۴۱-۶۰).
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
	نویسندگان ©

[10.22059/JLCR.2024.367296.1965](https://doi.org/10.22059/JLCR.2024.367296.1965)



۱. هدایت این نمایشنامه را در سال ۱۳۰۷ آغاز و سرانجام در سال ۱۳۰۹ با عنوان *پروین دختر ساسان* در انتشارات کتابخانه فردوسی منتشر می‌کند. اما نکته جالب، تغییر نام این نمایشنامه در چاپ کتابخانه فردوسی و سپس چاپ انتشارات امیرکبیر است. بعدها که این نمایشنامه به همراه *اصفهان نصف جهان* در انتشارات امیرکبیر منتشر می‌شود، نامش به *پروین دختر ساسان* تغییر می‌کند و دیگر با عنوان قبل چاپ نمی‌شود. بر اساس این توضیح در مقاله حاضر از عنوان مرسوم استفاده شده است.

۱. مقدمه

اندیشمندان برای هویت حوزه‌های گوناگونی را برشمرده‌اند. به‌عنوان نمونه روان‌شناسانی همچون پیاژه و فروید بنیان شکل‌گیری هویت هر فرد را در جایگاه‌ها و موقعیت‌های متفاوت رشد او می‌دانند. از نگاه آنان هویت از لایه فردی آغاز و به لایه‌های گوناگون اجتماعی گسترش می‌یابد و در حس هویت ملی، یعنی عالی‌ترین سطح هویت رخ می‌نماید. جامعه‌شناسان، هویت را در احساسی می‌بینند که هر شخص در جامعه به آن می‌رسد و پس از آن و با تکیه بر آن، رودررویی با گروه‌ها، دیگران، گوناگونی‌ها و همسانی‌هایی که با آن‌ها درک می‌کند به هویت مستقل خود دست می‌یابد (لک، ۱۳۸۴: ۱۳). به نقل از گودرزی، ۱۳۸۴، ۱۱۳).

زبان به‌عنوان عامل پیونددهنده در میان مردم یک ملت و سبب اصلی جریان سیال فرهنگ و ارتباطات میان آن مردم است، از همین روی هویت ملی با زبان ملی پیوندی ناگسستنی دارد (رحمان، ۲۰۰۷، ۲). به دیگر سخن زبان از یک‌سو از عنصرهای شکل‌دهنده هویت اجتماعی است و از دیگر سو خود هویت نیز از زبان تأثیر می‌پذیرد. زبان یا گویش هر کس بیانگر بخشی از هویت اوست و به همین رو زبان از نمایه‌های نخستین هویت اجتماعی به شمار می‌آید (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۹).

از نظریات مهم در ارتباط با زبان و هویت، و نقش آن در رسانه، نظریه بازنمایی استوارت هال است. برای هال زبان در مفهوم گسترده آن در دامنه بزرگی از زبان گفتاری، نوشتاری، تصویر و... مطرح است. هال بر این باور است که آنچه در سه‌گانه مفاهیم، اشیا و نشانه‌ها، آن‌ها را به هم مربوط می‌سازد، بازنمایی است. هال بر این باور است که بازنمایی معنا و زبان را به فرهنگ مربوط می‌سازد (هال، ۱۹۹۷: ۱۵-۲۰).

این پژوهش می‌کوشد تا در راستای پژوهش‌های متمرکز بر هویت و با بررسی انواع هویت در زبان، میزان به‌کارگیری انواع راهبردهای هویت با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در نمایشنامه تاریخی انتخابی را مشخص کند و هدف پژوهش که همان یافتن و معرفی جنبه‌هایی از هویت در آثار نمایشنامه‌های فارسی است را محقق سازد. گردآوری داده‌ها از آثار نوشته شده به زبان فارسی، نه تنها انعکاس‌دهنده ذهن نویسندگان آن از مفهوم هویت و هویت تاریخی آن‌ها است، همچنین به‌نوعی می‌تواند نشان‌دهنده ذهن فارسی‌زبانان و ایرانیان نسبت به مسئله هویت و هویت تاریخی‌شان باشد.

در این پژوهش تلاش کرده‌ایم با بررسی و تحلیل پیکره زبانی که همه گفتگوهای نوشته شده در نمایشنامه پروین دختر ساسان را در بردارد، انواع مختلف هویت بازنمایی شده در زبان نمایشنامه را شناسایی و گستردگی و کاربرد آن‌ها را تعیین کنیم. این پژوهش در تلاش برای پاسخ‌گویی به دو پرسش اصلی است که عبارت‌اند از:

کدام سوئیته هویت با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در اثر پروین دختر ساسان صادق هدایت، بیشتر استفاده شده است؟

بازنمایی هویت تاریخی با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در اثر پروین دختر ساسان صادق هدایت چگونه است؟

در مورد نخست به‌عنوان پاسخی به پرسش یکم، این‌گونه فرض کرده‌ایم که همه سوبه‌های هویت با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در اثر پروین دختر ساسان صادق هدایت به یک اندازه استفاده شده است. فرضیه‌ای که برای پاسخ به پرسش دوم در نظر داریم این است که بازنمایی هویت تاریخی با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در اثر پروین دختر ساسان صادق هدایت این‌گونه است که از تمام رویکردها استفاده شده است.

در این پژوهش کوشیده‌ایم تا در میان یافتن پاسخ‌هایی گسترده‌تر و آشکارتر به پرسش‌های اصلی، ادعاهای تحقیقات پیشین در این زمینه را نیز ارزیابی کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

در این بخش گزیده‌وار به مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه هویت و زبان پرداخته‌اند، خواهیم پرداخت. کولت، جنیفر ماری (۲۰۱۴)، دیویس (۲۰۱۷) و هانی (۲۰۱۷) هر یک جداگانه به اهمیت و نقش زبان در ساخت هویت در جوامع دوزبانه مورد مطالعه خود پرداخته‌اند.

کولت، جنیفر ماری (۲۰۱۴) برای بررسی هویت زبانی جوانان زبان‌آموز به مطالعه زندگی علمی بیست‌ویک زبان‌آموز اسپانیایی-انگلیسی به‌عنوان مهارت انگلیسی محدود در دو جامعه شهری و مدرسه ابتدایی می‌پردازد. در این پژوهش، استدلال می‌شود که یادگیری زبان برای دانش‌آموزان طبقه‌بندی‌شده در مدرسه، هویت زبان آن‌ها را بیان می‌کند. اینکه چگونه این دانش‌آموزان در مدرسه شرکت می‌کنند، برخوردها با همسالان در زمینه‌های مختلف زبانی و قومی موقعیت آن‌ها از طریق زبان را فراهم می‌کند و سبب می‌شود که چندین نفر از خانه خود، زبان و پیشینه قومی خود به امید همسان‌سازی در انگلیسی، غالب فرهنگ مدرسه دولتی‌شان، فاصله بگیرند.

دیویس (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان نقش رسانه‌های ولزی زبان در ساخت و درک هویت به مطالعه بر روی کودکان ده تا دوازده‌ساله و نقش برنامه‌های با زبان ولزی تلویزیون در ساخت هویت پرداخته است. این مطالعه بر سه عنصر ساخت هویت متمرکز است که شامل: ۱. زبان، ۲. رسانه و ۳. هویت دوران کودکی است. این پژوهش در نهایت نشان می‌دهد که افراد مورد آزمایش، برنامه‌های ولزی زبان تلویزیون را به‌عنوان سکویی برای درک هویت ولزی خود می‌پنداشتند و همچنین در مناطقی که خارج از مرکز زبان ولزی بود رسانه را به‌عنوان پشتیبان برنامه‌های آموزش زبان ولزی مدارس می‌دانستند. آن‌ها همچنین رسانه را به‌عنوان تولیدکننده فرصت‌های مناسب شغلی به ولزی‌زبانان و به برنامه‌های این کانال به‌عنوان پشتیبانی فرهنگی و حامی فرهنگی جامعه ولزی زبان باور داشتند.

هانی (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان زبان به‌عنوان عملکرد یا مد؟ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در ساخت هویت برای کره‌ای‌تبارها و غیرکره‌ای‌تبارها در یادگیری زبان کره‌ای به‌عنوان عامل هویت‌ساز وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر داشتن تبار کره‌ای به دلیل نقش هویتی که از زبان انتظار می‌رود به‌عنوان عاملی بازدارنده در یادگیری زبان دیده شده درحالی‌که برای سایر زبان‌آموزان آموختن زبان کره‌ای و برنامه‌های موزیک پاپ و فرهنگ عامه کره همچون

مشوق‌هایی بود که به کلاس‌ها جنبه سرگرمی می‌داد و همچنین داشتن هدف شغلی یا اقتصادی می‌توانست به‌عنوان عاملی تسهیل‌کننده باشد.

خیرآبادی و دیگران (۱۳۹۱) هاشمی‌زاده، دلاور و مظفری (۱۳۹۵) و خادم‌القرایی و کیان‌پور (۱۳۹۶) هر یک جداگانه به اهمیت و نقش زبان در ساخت هویت در رسانه و به صورت کلی متن‌های مورد مطالعه خود پرداخته‌اند.

خیرآبادی و دیگران (۱۳۹۱) در پژوهشی که توصیفی - کیفی است، کوشیده‌اند تا به بررسی آثار جمال‌زاده پدر داستان‌نویسی کوتاه ایران از دیدگاه نمادهای هویت ملی بپردازند. نتیجه پژوهش این است که جمال‌زاده با کاربرد ظرفیت‌های زبان فارسی مانند واژگان و اصطلاح‌های عامیانه، ضرب‌المثل‌ها، کنایه‌ها و... در داستان‌هایش، بر نقش زبان به‌عنوان یک مؤلفه هویتی مهم تأکید کرده است. در نتیجه نمادهای هویت ملی در آثار داستانی جمال‌زاده حضور پررنگی دارند و از این جهت می‌توان گفت که داستان‌های جمال‌زاده بسیار وابسته به زمینه هستند.

هاشمی‌زاده، دلاور و مظفری (۱۳۹۵) به مسئله بازنمایی هویت ایرانی در فیلم سینمایی *مادر* اثر علی حاتمی پرداختند. در این پژوهش کوشش شده است تا با استفاده از روش علمی تحلیل نشانه‌شناختی شیوه و چگونگی بازنمایی هویت ملی و ایرانی در این فیلم مورد بررسی قرار گیرد. فیلم سینمایی *مادر* هر سه سطح توصیف رمزگانی یا نشانه‌شناختی مربوط به هویت ملی را دارا است. یک آنکه مادر در این فیلم القاء‌کننده وطن و میهن است. دوم اینکه باهم بودن و باهم زندگی کردن، سبک رمزگانی مهمی است که حاتمی با استفاده از عناصر مختلف در فیلم بازنمایی کرده است و در پایان بازگشت به اصالت و ادبیات ایرانی سبک دیگری است که حاتمی با پرداخت گفتگوها و موسیقی در پی بازنمایی آن بوده است.

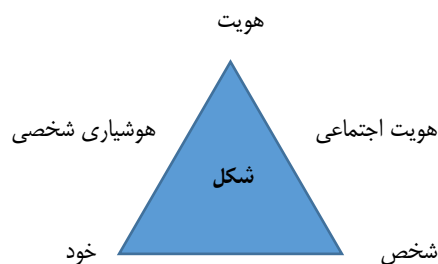
خادم‌القرایی و کیان‌پور (۱۳۹۶) به تحلیل نشانه‌شناختی کلیشه‌های جنسیتی و پایگاه اجتماعی در دو فیلم *برف روی کاج‌ها* و *یه حبه قند* می‌پردازند. نتیجه پژوهش در پایان و با توجه به داده‌های برآمده از هر دو فیلم و با نظر به تفاوت پایگاه اجتماعی شخصیت‌ها در این دو فیلم که یکی از طبقه متوسط به بالا بودند و دیگری از طبقه پایین، نشان می‌دهد که در فیلم *برف روی کاج‌ها* هیچ‌گونه رمز جنسیتی و به پیروی از آن کلیشه جنسیتی نمایش داده نشده است حتی در موردهایی زنان در موقعیتی فراتر قرار گرفته‌اند، در مقابل در فیلم *یه حبه قند* وجود رمزگان جنسیتی و کلیشه‌های در پیوند با آن، معنی‌دار است و زنان در موقعیتی پایین‌تر از مردان نمایش داده می‌شوند.

۳. مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش

همه ما دارای هویت هستیم. این هویت نتیجه ارتباط ما با دیگران است، و احساس خود بودن که در هر یک از ما به وجود آمده حاصل تعامل اجتماعی ماست. به عبارت دیگر حاصل تجارب ما در رابطه با جهان با همه پیچیدگی‌های آن است. همچنین هویت که به عبارت ساده‌تر با جواب به سؤال من کیستم؟ یا ما کیستیم؟ مرتبط است رابطه بسیار نزدیکی با موضوع زبان دارد (گودرزی، ۱۳۸۴: ۱۲).

مانند آنچه در شکل ۱: مثلث هویت می‌بینیم از یک سو ما هویت را درباره چیزی که فرد را همان چیز که هست، یعنی فرد می‌کند، به کار می‌بریم. چه چیزی (من) را در برابر تمام افراد

دیگر من می‌کند. کنشگر کنش‌های من، جایگاه پیوسته اندیشه و یادهای من، که جداگانه در سازگانی که از دید شمار و جسم متمایز است، تن یافته، که با ضمیر (من) از خود می‌گوید که فردی و شخصی است و نام خاص خود را دارد. از دیگر سوی ما هویت را به کار می‌بریم تا درباره آن چیزی سخن بگوییم که این افراد را بر پایه ویژگی‌های مشترک، عضویت‌ها، (تویی) که دیگران خطاب می‌کنند و می‌سازند و درباره آن و با آن سخن بگوییم.



شکل ۱. مثلث هویت

همگانی، میان‌ذهنانه: (تویی) که دیگران خطاب می‌کنند شخصی، ذهنی و واکنش‌های آن با کاربرد (من) گزارش می‌شود.

در شکل ۱: مثلث هویت (شخص) به این معنی به کار گرفته شده که نگاه دیگران و بینندگان بیرونی به آن فرد چگونه است و با چه ویژگی‌ها و عنوان‌هایی او را به یاد می‌آورند. گوشه دیگر (خود) آن شناختی است که فرد نسبت به عنوان‌ها و ویژگی‌های خود دارد و در نهایت گوشه بالا (هویت) در واقع برآیندی است از آنچه که دیگران در مورد آن شخص فکر می‌کنند و آنچه خود او انتظار دارد که دیگران فکر کنند. این موضوع یک معنی ایستا و بی‌دگرگونی نیست و به صورت دائمی در حال تغییر است و نیروهای وارده از این سه‌گوش به صورت همیشگی بر هم وارد می‌شوند و سبب دگرگونی وضعیت می‌شوند. به‌عنوان مثال شخصی که هویت شغلی‌اش دگرگون شده هم احساس و منش خود او دگرگون می‌شود و هم رفتار و شناخت دیگران درست بعد از شناخت نوینی که به دست می‌آورند دگرگون خواهد شد.

مثلث هویت یک مفهوم روان‌شناختی است که بر بنیاد آن هویت فرد یا گروه از تعامل بین سه عامل خود، دیگران و محیط تشکیل می‌شود. آگاهی تاریخی نیز یکی از عواملی است که می‌تواند بر شکل‌گیری و تغییر هویت تأثیر بگذارد. آگاهی تاریخی به میزان آشنایی و تعلق فرد یا گروه به تاریخ و فرهنگ خود و دیگران گفته می‌شود (مرادی و کرانی، ۱۴۰۰: ۲۹۷ - ۳۴۲).

از سوی دیگر ما هویت را به کار می‌بریم تا درباره آن چیزی سخن بگوییم که این افراد را بر پایه ویژگی‌های مشترک، عضویت‌ها، (تویی) که دیگران خطاب می‌کنند و می‌سازند و درباره آن و با آن سخن می‌گویند، همانند دیگران می‌کند (رایلی، ۱۳۹۷: ۱۲۸ - ۱۲۹).

تاجفل (۲۰۰۱) هویت را به دو بخش خود شخصی و خود اجتماعی تقسیم کرده است. خود شخصی به ویژگی‌های ثابت شخصی در طول زمان اشاره دارد و خود اجتماعی ناشی از تعلق به گروه است. هویت، فرایند معناسازی است که در طی زندگی روزمره و مکانیسم‌های آن ساخته می‌شود.

اریکسون (۲۰۰۰) تعریف هویت فردی را به‌عنوان یک احساس پایدار از یگانگی خود مطرح کرده است، به این معنا که با وجود تغییرات در رفتارها، افکار و احساسات، برداشت فرد از خود همواره ثابت است. بنابراین، شناخت فرد از خودش باید با نگرش دیگران نسبتاً همخوان باشد. به عقیده این نظریه، رابطه بین فرد و جامعه بسیار مهم است. به عبارت دیگر، هویت فرد به معنای پایدار شدن احساس کیستی و شکل‌گیری آن است (بیابانگرد، ۱۳۷۶: ۱۲۳).

هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی و نشانگر رابطه انسان با کشورش است. پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌های مختلف درباره خود، شامل نقش تاریخی، فرهنگ و تمدن، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نظام جهانی، به‌صورت هویت ملی مطرح می‌شود. در تعریف دیگر، هویت ملی به معنای احساس وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷).

عوامل تشکیل‌دهنده هویت ملی در ایران شامل سه مؤلفه است. اولین عامل، جغرافیا و سرزمین ایران که شامل نوسانات میان فلات ایران و مناطق کوهستانی آن می‌شود. دومین عامل، زبان فارسی است که در اثر آمیزش با زبان‌های ترکی، مغول و عربی تغییراتی را تجربه کرده است. سومین عامل، دین اسلام است که به‌رغم اختلافات فرقه‌ای، اساس آن ثابت و استوار مانده است (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۳).

از دیگر گونه‌های هویت، هویت تاریخی است. هویت تاریخی به دانش و شناخت از داده‌ها و یا سرنوشت ذات آگاهی در تاریخ گفته می‌شود. آگاهی تاریخی نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت تاریخی دارد، زیرا با ایجاد نوعی هم‌پندارگری تاریخی، افراد را با گذشته و ریشه‌های خود آشنا می‌کند و احساس تعلق و همبستگی را در آن‌ها قوت خواهد بخشید.

هویت تاریخی به شناخت و ارزیابی از گذشته و تأثیر آن بر حال و آینده گفته می‌شود. هویت تاریخی به افراد و گروه‌ها کمک می‌کند که با تاریخ خود و میراث فرهنگی و تمدنی خود آشنا شوند و از آن‌ها به‌عنوان منابع الهام‌بخش و ارزشمند استفاده کنند (مطهرنیا، ۱۳۸۵؛ صادقی‌گیوی و طبری، ۱۳۹۰؛ فهندژ و سید، ۱۳۹۹).

آگاهی تاریخی به معنای داشتن دانش و باور نسبت به گذشته و تاریخ خود است. این آگاهی ممکن است شامل گذشته اسطوره‌ای یا واقعی باشد. هویت و تعلق به تاریخ، از جمله ریزنمایه‌های ذهنی است که در آگاهی تاریخی نقش دارد. هر فرد یا گروه، احساس علاقه و ارادت بسیار به دانستن دانش تاریخی دارد. درواقع، آگاهی تاریخی شامل سه جنبه مختلف است: دانستن رویدادهای مهم و شخصیت‌های تاریخی، احساسات خود نسبت به آن رویداد و شخصیت‌ها و ارزش قائل بودن به گذشته تاریخی. آگاهی تاریخی در سطح فردی یا گروهی قابل درک است. برای یک فرد، خاطرات گذشته معنای خاصی دارد و برای یک گروه، تاریخ معنای خاصی دارد.

هر فرد یا گروه، با استناد به خاطرات و تاریخ خود، پایداری و استمرار خود را از آن جوامع استوار می‌سازد (معمار، ۱۳۸۷: ۳۲).

در اینجا به صورت خلاصه به معرفی چارچوب نظری پژوهش یعنی نظریه بازنمایی^۲ استوارت هال^۳ می‌پردازیم.

پژوهش در زمینه مطالعات فرهنگی نشان می‌دهد که بازنمایی پس از مفهوم قدرت پرکاربردترین واژه و مهم‌ترین مفهوم در این زمینه است. مفهوم بازنمایی به‌عنوان یکی از مفاهیم محوری نسبت تنگاتنگی با مسئله زبان و معنا دارد. در واقع بازنمایی چگونگی تولید معنا توسط زبان را در ساختارهای اجتماعی نشان می‌دهد که بیشتر مدیون چرخش زبانی است. بر این اساس زبان را نباید تنها یک ابزار انتقال‌دهنده معنا دانست بلکه زبان بستر زایش و شکل‌گیری معناست. هال بازنمایی را بخشی از فرایندی می‌داند که به‌وسیله آن معنا بین افراد یک فرهنگ به وجود می‌آید و سپس دست‌به‌دست می‌شود. در این نگاه فرهنگ چیزی جز معنی‌های مشترک نیست و زبان ابزاری است که به‌واسطه آن معناسازی صورت می‌گیرد (هال، ۲۰۰۶: به نقل از کاظمی، ناظر فصیحی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

واتسون و هیل (۲۰۰۶) بر این باورند که کارکرد اساسی و بنیادی رسانه‌ها، بازنمایی واقعیت‌های جهان بیرون برای مخاطبان است و بیشتر دانش و شناخت ما از جهان به‌وسیله رسانه‌ها تولید می‌شود و درک ما از واقعیت به‌واسطه و به‌وسیله روزنامه‌ها، تبلیغات، تلویزیون، فیلم‌های سینمایی و به‌طور کلی رسانه شکل می‌گیرد. رسانه‌ها جهان را برای ما تصور می‌کنند و این هدف را به‌وسیله عواملی انجام می‌دهند که از ایدئولوژی اشباع هستند. آنچه ما به‌مثابه یک مخاطب از آفریقا و آفریقایی‌ها، صرب‌ها و آلبانیایی‌تبارها، اعراب و مسلمانان و... می‌دانیم ناشی از تجربه مواجهه با گزارش‌ها و تصاویری است که به‌وسیله رسانه‌ها به ما نمایانده شده است. از آنجا که نمی‌توان جهان را با تمام پیچیدگی‌های بی‌شمار آن به تصویر کشید، ارزش‌های خبری، فشارهای پروپاگاندایی (عوام‌فریبانه)، تهییج، تقابل (که ما را از دیگران جدا می‌سازد) یا اینکه معنا را در قالب مجموعه‌ای از پیچیدگی‌های [فنی و محتوایی] ارائه می‌دهند. بر این اساس بازنمایی عنصری کلیدی در ارائه تعریف از واقعیت است.

به باور هال (۱۹۹۷) بازنمایی زبان در مفهوم عام آن مطرح است و می‌تواند دامنه گسترده‌ای از جمله زبان گفتاری، زبان نوشتاری، تصاویر بصری و... را در بر بگیرد. بر همین اساس، هال در درون نظام زبانی از سه گانه مفاهیم، اشیا، نشانه‌ها سخن می‌گوید و اعتقاد دارد مجموعه‌ای از فرایندها این سه را به هم مربوط می‌کند، او معتقد است آنچه این امر را ممکن می‌سازد بازنمایی است (هال، ۱۹۹۷: ۲۰).

1. Representation theory
2. Stuart hall

هال (۲۰۰۶) از نگاه استوارت هال سه رویکرد برای توصیف آنکه معنا از کجا آمده است و چگونه بازنمایی معنا در زبان انجام می‌شود وجود دارد. ۱. رویکرد بازتابی^۴ ۲. رویکرد ارادی (تعمدی)^۵ ۳. رویکرد برساختی^۶.

در رویکرد بازتابی همان‌طور که از نامش پیداست اعتقاد بر این است که معنا در ابژه یا همان شخص، عقیده، یا اتفاق در جهان واقعی وجود دارد و زبان همچون آینه‌ای عمل می‌کند برای بازتاباندن معنای حقیقی که در دنیای واقعی وجود دارد. گرتروید اشتین^۷ می‌گوید: «گل سرخ یک گل سرخ است».

هال در رویکرد ارادی معتقد است که گوینده، بیننده یا مخاطب است که معنا را بر الگوی جهان زبانی‌اش بر متن تحمیل می‌کند. مفاهیم همان معنایی را منتقل می‌کنند که نویسنده آن می‌خواهد، البته این رویکرد دارای نقصان‌هایی است. در رویکرد ارادی بازنمایی حالتی شناور دارد یعنی نمی‌توان منبعی یکه از معنا در زبان ارائه کرد. در واقع معنای زبان به صورت انفرادی و خصوصی بازنمایی می‌شود، درحالی‌که جوهر زبان به ارتباط و قواعد زبانی بستگی دارد که عمومی است و رمزگان (کدها) را شکل می‌دهد. زبان هیچ‌گاه نمی‌تواند به صورت بازی یکه و انفرادی درآید. در واقع زبان نظامی اجتماعی است که اندیشه و افکار ما با توجه به واژگان و تصاویری که از قبل برای زبان تعریف شده قابل انتقال است و برساخته و فهم می‌شود (هال، ۲۰۰۶: ۲۵).

در رویکرد سوم ما معنا را برساخته می‌کنیم و برای دریافت نشانه‌ها و مفاهیم از نظام‌های بازنمایی بهره می‌بریم. به‌واقع نه اشیا به خودی خود و به تنهایی معنایی دارند و نه حتی کنشگران زبان. این ما هستیم که با ابزار نظام‌های بازنمایی و مفاهیم و نشانه‌های معنا را برمی‌سازیم، به همین دلیل هم این رویکرد را برساختی یا ساختاری می‌گویند. در این رویکرد ما با جهان مادی یعنی جایی که با پدیده‌ها، چیزها یا افراد سروکار داریم و رفتارهای نمادین و نظام‌های بازنمایی و معناسازی و زبان هستند، کاری نداریم. ساختارگراها به هیچ روی وجود جهان مادی را انکار نمی‌کنند اگر چه از نگاه آن‌ها این جهان مادی نیست که معنا را منتقل می‌کند. معنا توسط نظام زبانی و نظام‌های بازنمایی دیگر تولید می‌شود (هال، ۲۰۰۶: ۲۵ - ۲۶).

۴. بحث و بررسی

۴.۱. ارائه داده‌ها

نمایشنامه پروین دختر ساسان اشاره به موقعیتی تاریخی دارد که در آن هویت ایرانی مورد تهدید قرار گرفته و از این رو هویت ایرانی در رویارویی با هویت قوم تازش‌گر است، که در متن نمایشنامه بازنمایی شده است. صادق هدایت پروین دختر ساسان را در فاصله سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ می‌نویسد. یعنی شش سال پیش از سفر پربارش به هند که ره‌آورد آن برگردان هفت متن ارزشمند

1. The Reflective
2. The Intertional
3. The Constructive
4. Gertrud stein

پهلوی به فارسی است. سفری که گویی در موقعیتی فرازمانی و با بخشی از قهرمانان نمایشنامه پروین دختر ساسان برای یافتن هویت گمشده‌شان صورت گرفته است. هدایت در این نمایشنامه زبانی ساده و روان را برگزیده که کمتر خواست نمایش توانمندی نویسنده را دارد. برای بررسی انواع و میزان هویت برساخته و به کار رفته در اثر انتخابی نخست، متن کامل نمایشنامه مطالعه گردیده سپس با توجه به جدول‌های ۱ رویکردهای استوارت و ۲ سویه‌های هویت که از تعریف‌های بخش ۳ برآمده‌اند انواع هویت به‌کاررفته و برساخته استخراج و سپس به‌طور دقیق در جدول نوشته و شمارش شده است و در پایان تحلیل بر پایه نمونه‌های هویت بازنمایی شده ارائه گردیده است.

جدول ۱. رویکردهای استوارت هال

توضیحات	فاکتورها	جدول استوارت هال
انواع رویدادهای ثبت شده در متن بدون دخالت استنباط خواننده، مستقیم‌ترین و سطحی‌ترین لایه متن، آشکارترین ارجاعات در فهم عمومی	متن محور	رویکرد بازتابی
اظهارنظرها و برداشتهای نویسنده که حتی ممکن است با واقعیت منطبق نباشد. منظور ابداعی نویسنده، مثلاً ممکن است از نظر نویسنده تاریکی زیبا باشد. استعارات، معانی غیرمستقیم، کنایه‌ها	مؤلف محور	رویکرد تعمدی
آنچه که خواننده وارد متن می‌کند در فهم متن، لایه معنای ناپیدای متن	خواننده محور	رویکرد برساختی

جدول ۲. سویه‌های هویت

مؤلفه‌ها	سویه‌های مورد مطالعه	هویت
نام	هویت فردی	
تحصیلات		
سن		
سنت‌گرایی		
جنسیت		
قومیت		
ملیت		
شغل	هویت ملی	
جغرافیا		
زبان		
دین	هویت تاریخی	
نسب		
حافظه تاریخی مشترک		
افسانه‌ها و روایت‌های حماسی		

۴.۱.۱. بررسی هویت از دیدگاه استوارت هال در نمایشنامه پروین دختر ساسان

در اینجا با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال و رویکردهای سه‌گانه بازنمایی، ارادی (تعمدی) و برساختی که پیش‌تر شرح آن به صورت کامل داده شده است به بررسی نمایشنامه پروین دختر ساسان می‌پردازیم که در پایین مثال‌هایی از آن آورده شده است.

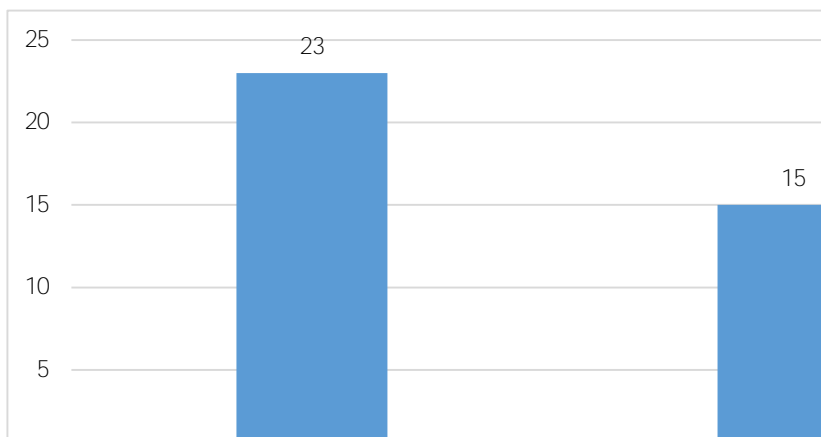
الف) رویکرد بازنمایی:

روژگاریاک (هدایت، ۱۳۰۹: ۷)، (به معنی روزگار نیک): در زمان وقوع اتفاقات نمایشنامه، صورت زبانی یاد شده به جای سلام یا درود که این روزها ما به کار می‌بریم کاربرد داشته است. با توجه به این نکته صورت آوایی یاد شده به صورت بازنمایی کننده هویت زبانی آن دوره است. نویسنده در دو مورد از این صورت بهره برده است.

انگزه مانیو (هدایت، ۱۳۰۹: ۴)، در برابر سپینتا مانیو و به معنی مینویت خشم و اهریمنی (مهر، ۱۳۷۴: ۱۸) صورت زبانی یاد شده در زمان وقوع اتفاقات نمایشنامه، استفاده می‌شده است و با توجه به اینکه این صورت زبانی در روزگار ما متداول نیست به صورت بازنمایی کننده هویت زبانی آن دوره است. نویسنده در یک مورد از آن بهره برده است.

مسمغان (هدایت، ۱۳۰۹: ۱۷)، (به معنی بزرگ مغان): صورت زبانی یاد شده که در دوره تاریخی اتفاقات نمایشنامه استفاده می‌شده و به‌عنوان رتبه‌ای اجتماعی و کاری بوده، در روزگار ما کاربردی ندارد. در نتیجه صورت آوایی آن به صورت بازنمایی کننده هویت زبانی آن دوره است و نویسنده دو بار از آن بهره برده است.

افتحوا الباب ایها الکلاب النجسه (هدایت، ۱۳۰۹: ۱۸): صورتی آوایی در زبان عربی که نویسنده به‌عنوان جمله‌ای که بازتاب‌دهنده هویت زبان عربی باشد در برابر زبان فارسی میانه در گفتار تازیان بهره برده است. در داده‌های مورد بررسی، ۲۳ بار جمله‌ها و ترکیب‌های زبان عربی به صورت بازنمایی توسط نویسنده به کار گرفته شده است.



نمودار ۱. رویکرد بازنمایی (نمایشنامه پروین دختر ساسان)

همان‌طور که در نمودار ۱ آشکار است در جهت پیش بردن نمایشنامه ۳۸ بار از رویکرد بازتابی بهره برده شده است که از این میان ۲۳ بار از زبان عربی و ۱۵ بار از زبان فارسی میانه یاری گرفته شده است.

ب) رویکرد ارادی

از آنجا که در رویکرد ارادی همان‌گونه که از نامش نیز پیداست، آن چیزی است که نویسنده قصد گفتن آن را دارد و از آنجا که همه واژگان، ساخت و جمله‌ها ناشی از اراده نویسنده است هویت برآمده از نمایشنامه پروین دختر ساسان نیز به صورت کامل و صددرصد بر مبنای نظریه استوارت هال و رویکرد ارادی ناشی از اراده نویسنده و مطابق با خواست اوست. در نتیجه بررسی پیکره همه ۳۰۷ مورد هویت به دست آمده از این رویکرد نیز پیروی می‌کنند.

ج) رویکرد برساختی

بر پایه این رویکرد، چیزها معنایی خودبسنده ندارند، بلکه این مخاطب است که به کمک نظام‌های بازنمایی معناها را می‌سازد. بر این مبنا در نمایشنامه پروین دختر ساسان و با توجه به متن گفتگوها در نمایشنامه و دانش مخاطب (نویسنده مقاله) با ۳۰۷ مورد هویت برساختی روبه‌رو هستیم که برخی با شمار و تکرار در متن نمایشنامه و پس از آن در گفتار بازیگران به کار گرفته شده است. این ۳۰۷ مورد همگی در متن نمایشنامه پروین دختر ساسان آمده است.

۲.۱.۴. بررسی سویه‌های مختلف هویت در نمایشنامه پروین دختر ساسان اثر صادق هدایت

انواع هویت شامل هویت فردی، هویت ملی و هویت تاریخی است که هر کدام به زیر شاخه‌های زیر تقسیم می‌شوند.

هویت فردی: به عنصرهای نام، تحصیل، سن، سنت‌گرایی، جنسیت، قومیت، ملیت و شغل تقسیم می‌شود و هویت ملی: به سه عنصر جغرافیا، زبان و دین تقسیم شده است و در پایان هویت تاریخی است که به سه عنصر نسب، حافظه تاریخی مشترک و افسانه‌ها و روایت‌های حماسی بخش‌بندی شده است.

الف) واژه: «بارید» (هدایت، ۱۳۰۹: ۷)

هویت فردی: به نام، سنت‌گرایی، جنسیت، ملیت و شغل در هویت فردی اشاره دارد، زیرا نامی است از نام‌های ایرانی و نام مرد است و به سنت موسیقی و شادی در میان ایرانیان و شغل موسیقی‌دانی و نوازندگی اشاره می‌کند.

هویت تاریخی: به حافظه تاریخی مشترک، افسانه‌ها و روایت‌های حماسی در هویت تاریخی اشاره می‌کند زیرا بخشی از حافظه تاریخی جمعی ماست در مورد موسیقی‌دانی که در دربار خسرو پرویز به کار مشغول بوده و این تاریخ، با افسانه‌ها و روایت‌های خیالی بسیاری به هم آمیخته شده‌اند.

(ب) گروه: «کیش اشویی» (هدایت، ۱۳۰۹: ۹)

هویت فردی: به زیرشاخه سنت‌گرایی در هویت فردی اشاره می‌کند چرا که اشاره به این باور در دین مزدیسنا دارد که راه در جهان یکی است و آن هم راستی و این راستی همان هنجار گیتی است که اهورامزدا کیهان را بر اساس آن آفریده است و از این رو کیش مزدیسنا را کیش اشویی هم می‌گویند و این باور به اشویی یا راستی بخشی از باورهای ایرانیان در تمام این دوران تبدیل شده است.

هویت ملی: اشاره به زیرشاخه دین در هویت ملی دارد چرا که نام دیگری برای دین زرتشتی است که باور رایج مردم ایران برای سده‌ها پیش از تازش و حتی برای بعضی از ایرانیان برای سده‌های پس از آن بوده است.

(ج) جمله: «همه نامه‌های ما را سوزانیدند» (هدایت، ۱۳۰۹: ۱۰).

هویت تاریخی: به زیر شاخه حافظه تاریخی مشترک ما در هویت تاریخی اشاره می‌کند از آنجاکه به نسک‌ها و نوشتارهای گذشته ما نامه گفته می‌شده و سوزاندن کتابخانه‌ها به وسیله تازیان از نمونه کارهای مرسوم بین تازیان بوده و در تاریخ طبری و دیگر نوشته‌ها نیز بارها به آن اشاره شده به نحوی که بخشی از حافظه جمعی ایرانیان گردیده است.

(د) بند^۱: «میهن همه این گل و گیاه و جانورانی هستند که با روان ما آشنا شده‌اند که نیاکان آن‌ها با نیاکان ما زندگانی کرده و آن‌ها را مانند ما به این آب‌و‌خاک وابستگی می‌دهد» (هدایت، ۱۳۰۹: ۱۵).

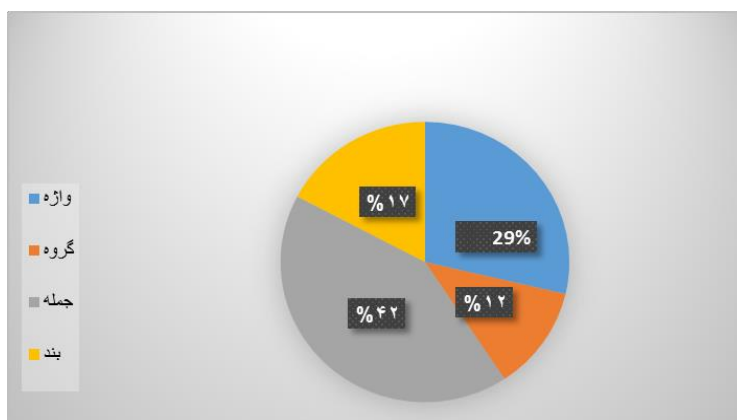
هویت فردی: به زیر شاخه سنت‌گرایی در هویت فردی اشاره دارد، زیرا که تعریفی را آورده که آغشته به باورهای تاریخی و دینی ایرانی از مهرپرستی تا دین مزدیسناست و به نوعی سنت فکری ایرانیان در درازای هزاره‌ها است.

هویت ملی: اشاره به زیرشاخه‌های جغرافیا/دین در هویت ملی دارد، جغرافیا از آن روی که تعلق خاطر به مکان خاصی به میهن دارد و دین از آن جهت که در باور دین زرتشتی آن طبقه‌های آشنا با ذهن ما که انسان را اشرف مخلوقات می‌داند، نداریم. انسان اگر در مسیر راستی و اشایی حرکت کند می‌تواند دستیار اهورامزدا باشد و در این راه دیگر جانداران به او یاری خواهند کرد، از این رو در بخشی از اوستا داریم که: می‌ستاییم روان جانداران سودمند را.

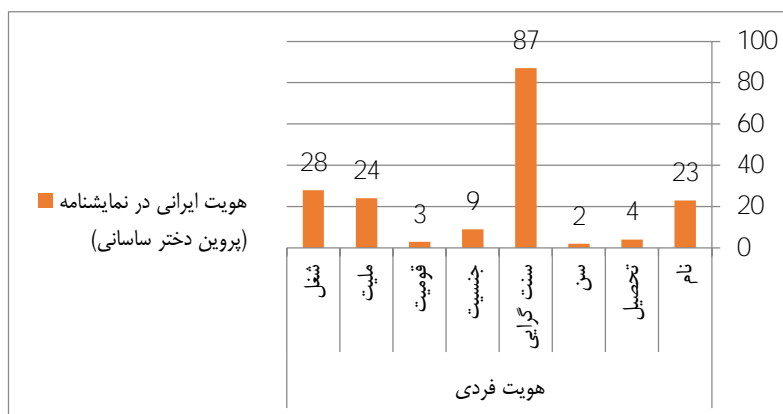
۳.۱.۴. تحلیل انواع داده‌ها در نمایشنامه پروین دختر ساسان نوشته صادق هدایت

نمودار شماره ۲ نشان‌دهنده درصد نوع عناصر هویت‌ساز به کار رفته در نمایشنامه پروین دختر ساسان است. با توجه به آنچه در نمودار دایره‌ای شماره ۲ نیز آشکار است از ۳۰۷ عنصر هویت‌ساز بدون در نظر گرفتن تکرارها، بیشترین مورد به جمله با ۴۲٪ و پس از آن واژه با ۲۹٪ و بند با ۱۷٪ و در پایان گروه با ۱۲٪ موارد هویت‌ساز دارنده نسبت‌های فراوانی در نمایشنامه پروین دختر ساسان هستند.

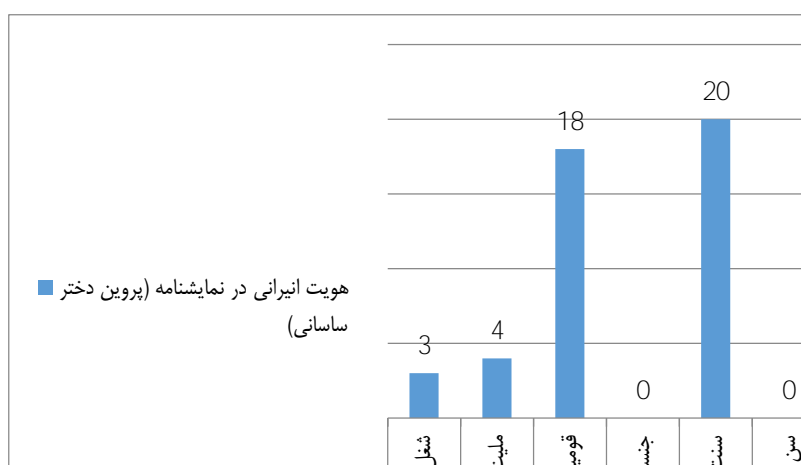
۱. نگارنده بند را برابر با پاراگراف در نظر گرفته است.



نمودار ۲. نوع- هویت (پروین دختر ساسان)



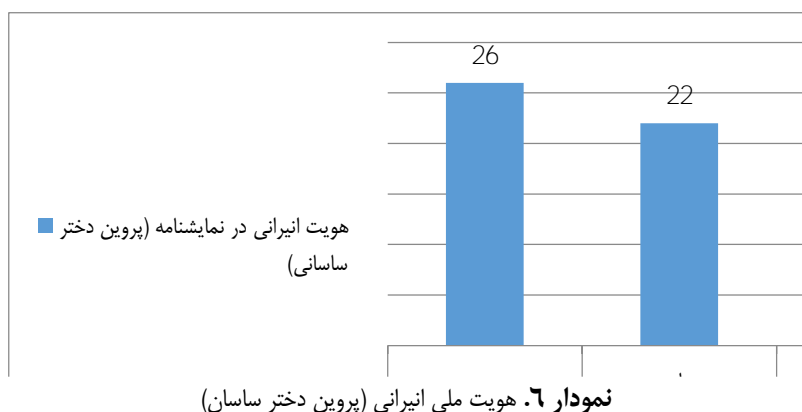
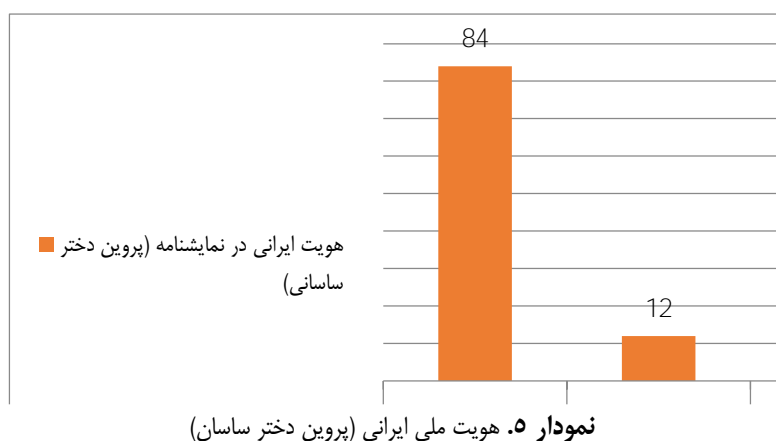
نمودار ۳. هویت فردی ایرانی (پروین دختر ساسان)



نمودار ۴. هویت فردی انیرانی (پروین دختر ساسان)

نمودار ۳ هویت فردی ایرانی و سوبه‌های گوناگون آن را در نمایشنامه پروین دختر ساسان نشان می‌دهد و همان‌طور که تعداد فراوانی هر کدام نشان داده می‌شود از همه سوبه‌های هویت فردی ایرانی در نمایشنامه استفاده شده است. بیشترین سوبه هویت فردی سنت‌گرایی با ۸۷ مورد و پس از آن به ترتیب شغل با ۲۸ مورد، ملیت با ۲۴ مورد، نام با ۲۳ مورد و در پایان جنسیت با ۹ مورد تکرار به کار رفته‌اند.

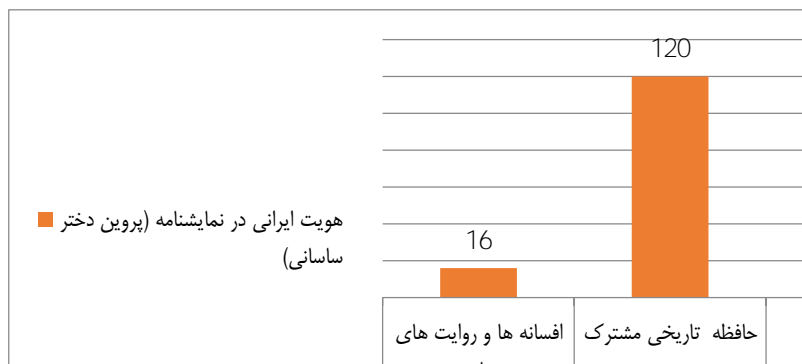
در نمودار ۴ اما به هویت انبرانی (ناایرانی) می‌پردازد و سوبه‌های گوناگون آن در نمایشنامه پروین دختر ساسان دیده می‌شود در این نمودار از سه سوبه که جنسیت، تحصیل و سن هستند استفاده نشده و از پنج مورد دیگر به ترتیب سنت‌گرایی با ۲۰ بار و قومیت با ۱۸ بار بیشترین استفاده را داشته‌اند و پس از آن‌ها ملیت ۴ بار، شغل ۳ بار و نام هم تنها در ۱ مورد به کار رفته‌اند. از آنجا که پردازش هویت در مرزبندی‌ها می‌تواند تأکید بر وجود هویت (دیگری) باشد نمودار هویت انبرانی و ایرانی به وجود یکدیگر رنگ و قوت بیشتر می‌دهند و از همین‌رو نمودارهایشان در کنار یکدیگر آمده است. همان‌طور که نمودار ۳ و ۴ آشکارا نشان می‌دهند در این نمایشنامه صادق هدایت از هر دو هویت ایرانی و انبرانی در بیشتر موارد استفاده کرده است.



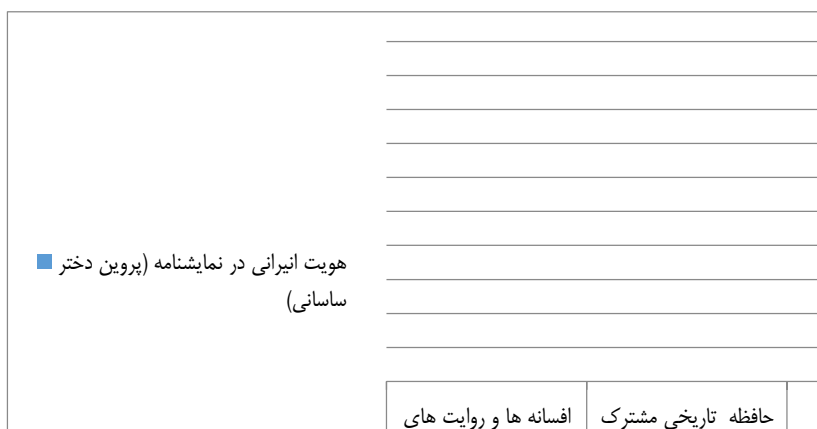
نمودار ۵ هویت ملی ایرانی و سویه‌های گوناگون آن را در نمایشنامه پروین دختر ساسان نشان می‌دهد و همان‌طور که تعداد فراوانی هر کدام نشان داده می‌شود از همه سویه‌های هویت ملی ایرانی در نمایشنامه استفاده شده و بیشترین سویه هویت ملی دین با ۸۴ مورد و پس از آن به ترتیب، جغرافیا با ۲۶ مورد و زبان با ۱۲ مورد تکرار قرار دارند.

نمودار شماره ۶ هویت ملی انیرانی و سویه‌های گوناگون آن را در نمایشنامه پروین دختر ساسان نشان می‌دهد و همان‌طور که تعداد فراوانی هر کدام نشان داده می‌شود از همه سویه‌های هویت ملی انیرانی در نمایشنامه استفاده شده و بیشترین سویه هویت ملی دین با ۲۶ مورد و پس از آن به ترتیب، زبان با ۲۲ مورد و جغرافیا با ۹ مورد تکرار قرار دارند.

در نگاه مقایسه‌ای بین دو نمودار ۵ و ۶ می‌بینیم که سویه دین که سبب جنگ نیز همان بوده در هر دو مورد هویت ملی ایرانی و انیرانی بیشترین کاربرد را داشته است و در مورد عنصر زبان نیز نویسنده در همان برابری اندک و ساده‌ای که از زبان عربی داشته می‌بینیم که به حضور عنصر زبان در هویت ملی پرداخته است و این در حالی است که به فارسی میانه و پهلوی کمتر پرداخته که با این راهبرد مسئله زبان در نمایش و مرزهای موجود در آن را برای پرداختن به هویت ملی و سویه زبان پیش برده بدون آنکه بیننده در دیدن نمایش دچار سردرگمی شود.



نمودار ۷. هویت تاریخی ایرانی (پروین دختر ساسان)



نمودار ۸. هویت تاریخی انیرانی (پروین دختر ساسان)

نمودار شماره ۷ هویت تاریخی ایرانی و سوبه‌های گوناگون آن را در نمایشنامه پروین دختر ساسان نشان می‌دهد و همان‌طور که تعداد فراوانی هر کدام نشان داده می‌شود از همه سوبه‌های هویت تاریخی ایرانی در نمایشنامه استفاده شده و بیشترین سوبه هویت تاریخی، عنصر حافظه تاریخی مشترک با ۱۲۰ مورد و پس از آن به ترتیب افسانه‌ها و روایت‌های حماسی با ۱۶ مورد و نسب با ۸ مورد تکرار قرار دارند.

نمودار شماره ۸ هویت تاریخی انیرانی و سوبه‌های گوناگون آن را در نمایشنامه پروین دختر ساسان نشان می‌دهد و همان‌طور که در نمودار دیده می‌شود از هیچ‌کدام از سوبه‌های هویت تاریخی برای انیرانیان بهره برده نشده است. دلیل این موضوع شاید این باشد که بیننده و یا حتی نویسنده کمتر اطلاعی از باور تاریخی آنان به‌عنوان قوم تازش‌گر داشته و یا به صورت بنیادین، تاریخ‌نگاری از پدیده‌های انسان متمدن است که در این‌باره می‌توان بیشتر درنگ کرد.

۴.۱.۴. بررسی هویت جعلی در نمایشنامه پروین دختر ساسان

در داده‌های مورد بررسی در نمایشنامه به مواردی برخورد شده که با توجه به مسائل گوناگون گاه تاریخی، گاه باورمندی یا زبانی به هویتی غیرواقعی یا جعلی اشاره داشته که از آنجا که نامی برای آن‌ها نبود با نام هویت جعلی آورده شده است. در موردی که در ادامه آمده است به این جمله برمی‌خوریم (بین هر دو آن‌ها «اشاره به انگشتر نامزدی» یک‌جور هستند، روی این اهورامزدا کنده شده) که می‌توان این معنا را برداشت کرد که اهورامزدا همان نماد فروهر است و دارای صورت و نمادی با ظهور تصویری است که با خواندن کتاب (دیدنی نو از دینی کهن) دانسته خواهد شد که این‌چنین نیست و اهورامزدا، نه تصویری دارد و نه نمادی دیداری، به این دلیل این جمله در ردیف هویت جعلی آمده است. در پایین جدول هویت جعلی برای نمایشنامه پروین دختر ساسان آمده است.

جدول ۳. هویت جعلی (پروین دختر ساسان)

ردیف	هویت جعلی	توضیح
۱	بین، هر دو آن‌ها (اشاره به انگشتر نامزدی) یک‌جور هستند روی این اهورامزدا کنده شده.	زیرا که اهورامزدا دارای تصویر یا نماد دیداری نیست و آوردن این جمله گمان مخاطب را به سوی نشان فروهر خواهد برد و برداشت خواهد کرد، در نتیجه ما را به هویتی جعلی ارجاع خواهد داد.

۵. نتیجه‌گیری

در این بخش کوشش می‌کنیم تا با بهره بردن از نتیجه‌هایی که در بخش پیش، از تجزیه و تحلیل داده‌های زبانی و بررسی‌های آماری متن نمایشنامه پروین دختر ساسان صادق هدایت به‌دست آوردیم، به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهیم و فرضیه‌های نخست را واریسی کنیم.

کدام سوپه هویت با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در اثر پروین دختر ساسان صادق هدایت بیشتر استفاده شده است؟ در پاسخ به پرسش نخست مشاهده می‌کنیم که فرض نخست بیشتر می‌تواند کلی‌گویی برای نمایش مورد نگر باشد و یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که بهره بردن از همگی سوپه‌های بازنمایی هویت استوارت هال در نمایشنامه‌های فارسی امری گسترده و مرسوم است. استفاده از بازنمایی هویت در اثر انتخابی با درون‌مایه‌ها و زمان به نسبت همسان مورد استفاده بوده است. برای هر مورد از الگوی استوارت هال ۲ تا ۳ مثال ذکر شد و پس از بررسی ۳۰۷ مصداق از هویت بازنمایی شده در اثر پروین دختر ساسان نتیجه‌های زیر به دست آمد.

به‌طور کلی از انواع راهبردهای تعریف شده توسط استوارت هال (۱۹۹۷) یعنی رویکردهای بازتابی، ارادی و برساختی استفاده شده است که از این میان ۳۸ بار از رویکرد بازتابی و ۳۰۷ بار از رویکرد ارادی و ۳۰۷ بار از رویکرد برساختی استفاده شده است. همان‌طور که پیش‌تر و در پرسش یک هم درباره نمایشنامه مرگ یزدگرد آورده شده، از آنجا که از آغاز تا پایان نمایشنامه بر خواست و اراده نویسنده استوار است، رویکرد ارادی را می‌توان بر همه متن گسترش داد اما نگارنده به مواردی دست یافت که بین خواست و دانش نویسنده از آن دوره تاریخی فاصله‌ای را نشان می‌دهد.

موردهایی با این ویژگی که در نمایشنامه پروین دختر ساسان تنها یک مورد است در ستونی به نام هویت جعلی دسته‌بندی شده است. در مورد دیگر موارد هم از آنجا که اراده نویسنده قابل سنجش نیست از میان سه رویکرد می‌توان رویکرد برساختی را بیشترین سوپه هویت به کار رفته دانست.

از میان ۳۰۷ مورد هویت برساخته شده در نمایشنامه پروین دختر ساسان و از سه سوپه هویت فردی و هویت تاریخی و هویت ملی، از مجموع ۵۵۸ بار استفاده از هر سه عنوان، ۲۲۵ بار از هویت فردی، ۱۸۸ بار از هویت ملی و ۱۴۵ بار از هویت تاریخی استفاده شده است و از میان موارد هویت فردی که بیشترین مقدار استفاده را داشته، سنت‌گرایی با ۱۰۷ بار از همه عنوان‌ها بیشتر به کار برده شده است.

بازنمایی هویت تاریخی با توجه به نظریه بازنمایی استوارت هال در اثر پروین دختر ساسان صادق هدایت چگونه است؟ در مورد فرض نخست درباره این پرسش باز هم پاسخ دقیقی نیست و بیشتر کلی‌گویی به نظر می‌رسد و پس از بررسی ۱۴۵ مصداق از انواع هویت تاریخی که در نمایشنامه به کار رفته، در اثر پروین دختر ساسان نوشته صادق هدایت، نتیجه‌های زیر به دست آمد. به طور کلی در مورد هویت برساخته شده در نمایشنامه پروین دختر ساسان و از میان سه سوپه نسب، حافظه تاریخی مشترک و افسانه‌ها و روایت‌های حماسی، به ترتیب از نسب ۸ بار و حافظه تاریخی مشترک ۱۲۱ بار و افسانه‌ها و روایت‌های حماسی ۱۶ بار به کار گرفته شده است. همان‌طور که آمار به‌خوبی نشان می‌دهد از هر سه عنصر در ساخت هویت تاریخی بهره گرفته شده و بیشترین مورد هم مربوط به حافظه تاریخی مشترک است و به یاری نویسنده برای ساختن هویت تاریخی استفاده شده است.

منابع

- بهارلوییان، شهران و فتح‌الله اسماعیلی (۱۳۷۹). *شناخت‌نامه صادق هدایت*. تهران، قطره.
- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۶). *روانشناسی نوجوان*. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- خادم الفقراپی، مهوش و مسعود کیانپور (۱۳۹۷). «تحلیل نشانه‌شناختی کلیشه‌های جنسیتی و پایگاه اجتماعی در دو فیلم برف روی کاج‌ها و یه حبه قند». *نامه هنرهای نمایشی و موسیقی*، د ۹، ش ۱۷، ۴۹-۶۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵). *فرهنگ متوسط دهخدا*. تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- رایلی، فیلیپ (۱۳۹۸). *زبان فرهنگ و هویت*. تهران، نشر نویسه پارسی.
- زاهد، سیدسعید (۱۳۸۴). «هویت ملی ایرانیان». *فصلنامه راهبرد یاس*، ش ۴، ۱۲۹-۱۳۸.
- صادقی گیوی، مریم و خدیجه ططری (۱۳۹۰). «بررسی و تبیین سیر تاریخی هویت انسانی بر اساس الگوهای ایرانشهری در شاهنامه فردوسی». *پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)*، ش ۲، پیاپی ۱۸، ۸۹-۱۱۳.
- طاهباز، سیروس (۱۳۷۶). *درباره زندگی و هنر صادق هدایت*. تهران، زریاب.
- رضایی خیرآبادی، فاطمه و دیگران (۱۳۹۱). «جایگاه نمادهای هویت ملی در زبان و ادب فارسی، مطالعه موردی: آثار داستانی جمال‌زاده». *تحقیقات فرهنگی ایران*، د ۵، ش ۲، ۸۷-۱۱۱.
- فرزانه، م. ف. (۱۳۷۲). *آشنایی با صادق هدایت*. تهران، مرکز.
- فهندژ سعدی، سیدمعصومه (۱۳۹۹). «تعریف و تبیین مفهوم هویت ملی و ایرانی از دیدگاه حافظ». *پژوهشنامه تاریخ سیاست و رسانه*، ش ۴، ۱۲۰-۱۰۷.
- کاظمی، عباس و آزاده ناظر فصیحی (۱۳۸۶). «بازنمایی زنان در یک آگهی تجاری تلویزیونی». *پژوهش زنان*، د ۵، ش ۱، ۱۳۷-۱۵۳.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۴). *زبان و هویت*. تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
- مرادی، علی، و کیومرث کرانی (۱۴۰۰). «بررسی رابطه بین آگاهی تاریخی و هویت ملی شهروندان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه)». *جامعه‌شناسی تاریخی*، د ۱۳، ش ۱، ۲۹۷-۳۴۲.
- مطهرزاده، مهدی (۱۳۸۵). «اصالت و معاصرت در هویت». *زمانه*، ش ۴۳، ۶۵-۶۶.
- معمار، ر (۱۳۸۷). *سنجش گرایش به هویت تاریخی*. تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش و برنامه‌ریزی صدا و سیما.
- مهر، فرهنگ (۱۳۷۴). *دیدنی نواز دینی کهن فلسفه زرتشت*. تهران، انتشارات جامی.
- هدایت، صادق (۱۳۱۲). *مازیار*. با مقدمه مجتبی مینوی، تهران، سازمان انتشارات جاویدان.
- هاشمی زاده، سیدرضا و دیگران (۱۳۹۶). «هویت ایرانی و سینما؛ بازنمایی هویت ایرانی در فیلم مادر». *مطالعات ملی*، د ۱۸، ش ۱، پیاپی ۶۹، ۸۵-۱۰۲.
- هال، استوارت و دیگران (۱۳۸۶). *مطالعات فرهنگی: دیدگاه‌ها و مناقشات*. ترجمه محمد رضایی، تهران، جهاد دانشگاهی.
- هدایت، صادق (۱۳۵۶). *پروین دختر ساسان*. تهران، انتشارات جاویدان.
- یوسفی، علی (۱۳۸۰). «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی». *مطالعات ملی*، ش ۸، ظ ۱۳-۴۲.

References

- Cho, H. C. (2017). *Language as function or fashion? Multilingual identity formation through Korean language learning* (Doctoral dissertation, The University of Western Ontario, Canada).
- Cobley, P. (Ed.). (2005). *The Routledge companion to semiotics and linguistics*. Routledge.
- Collett, J. M. (2014). *Negotiating an identity to achieve in English: Investigating the linguistic identities of young language learners* (Doctoral dissertation, UC Berkeley).
- Davies, H. M. (2017). *The role of Welsh language media in the construction and perceptions of identity during middle childhood* (Doctoral dissertation, Aberystwyth University).
- Fateme R. Kh., R. Hakimzadeh, M. H. Mohammadi, S. A Khalighinejad. (2013). The position of national identity symbols in Persian language and literature; Case study: Jamalzadeh's fictional works). *Iranian Cultural Research* 2. 87-111. (in persian)
- Hall, S. (1983). *The Great Moving Right Show*, London: Lawrence and Wishart.
- Hall, S. (1997). *Representation: cultural representations and signifying practices*, London Thousand Oaks, California: Sage in association with the Open University.
- Hall, S. (2006). *Critical Dialogues in Cultural Studies*, London: Routledge.
- Hall, S. (2020). *Old and new identities, old and new ethnicities*. In *Theories of race and racism* (pp. 199-208). Routledge
- Hall, S. and P. Whannel .1964, *the Popular Arts*, London. Hutchinson
- Hashemizadeh, Seyedreza, Delavar, Ali, and Mozafari, Afsana. (2016). "Iranian identity and cinema; Representation of Iranian identity in the movie *Mother*". *National Studies*, 18(1 (69), 85-102. (in persian)
- Kazemi, Abbas, and Nazer-Fasihi, Azadeh. (2007). "Representation of women in a television commercial. Women in Development and Politics". *Women's Studies*, 5(1 (ser. 17), 137-153. SID. <https://sid.ir/paper/55269/fa>. (in persian)
- Khadim al-Faqarai, Mahosh, and Kianpour, Massoud. (2017). "Semiotic analysis of gender stereotypes and social base in the two films *Snow on the Pines* and *Yeh Habe Sugar*". *Performing Arts and Music Letters*, 9(17), 49-64. (in persian)
- Mamar, R. (2008). *Measuring tendency to historical identity*. *Tehran: Directorate of General Studies of the Center for Research*. Measurement and Planning of Seda va Sima. (in persian)
- Procter, J. (2004). *Stuart hall*. Routledge.
- Riley, P. (2007). *Language, culture and identity: An ethnolinguistic perspective*. A&C Black.
- Wardhaugh, R., & Fuller, J. M. (2021). *An introduction to sociolinguistics*. John Wiley & Sons
- Yousefi, Ali. (1380). "inter-ethnic relations and its impact on the national identity of ethnic groups in Iran; A secondary analysis of data from a national survey". *National Studies*, 2(4(8)), 13-42. SID. <https://sid.ir/paper/428280/fa>. (in persian)
- Zahid, Seyed Saeed. (1384). "National identity of Iranians". *Yas Strategy Quarterly*, -4), 131-149. SID. <https://sid.ir/paper/452016/fa>. (in persian)